

تحلیل متن شناسی سوره زمر بر مبنای نظریه کنش گفتار سرل

گلی مهرناز^۱

مرضیه شمس‌الدینی گورزانی^۲

غلامرضا رضوی‌دوست^۳

چکیده

نظریه کنش گفتار در پی واکاوی متن و بررسی منحصر به فرد چینش کلام در متون است. آستین اولین شخصی بود که این نظریه را مطرح و سپس شاگردش سرل آن را ترویج نمود. طبق این نظریه، واحد کلام، فعل گفتاری است. سرل انواع کنش گفتار را به پنج دسته اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی تقسیم کرد. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن بافت و محتوای آیات، سوره زمر را از منظر کنش گفتاری مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. هدف از آن بررسی ساختارهای گفتمان مدار به کار رفته در آیات و چگونگی انتقال به مخاطب است. تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی با رویکرد میان رشته‌ای، پس از تأمل در تحلیل گفتمان سوره زمر بر اساس کنش گفتاری سرل نتیجه می‌گیرد، گفتمان سوره زمر عبارتند از: "اظهاری"، "ترغیبی"، "عاطفی" و "اعلامی". بر اساس تحلیل انجام گرفته، بسامد کنش اظهاری در سوره زمر بیش‌تر از سایر کنش‌ها است که نشانگر پیامدهای تفسیری مهمی، از جمله بیان اخبار و معارف الهی و اسلامی می‌باشد و در سوره‌های مکی از جمله سوره زمر، حجمی افزون‌تر از آیات را به خود اختصاص می‌دهد.

واژگان کلیدی: متن شناسی، کنش گفتار، سرل، بافت، سوره زمر.

۱- استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان dr.goli@gmail.com

۲- دانش‌آموخته علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان، نویسنده مسئول marziyeshamsodini@gmail.com

۳- کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان razavi@theo.usb.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۲

مقدمه

تحلیل متون ادبی از قدیم، مورد توجه بوده است. عنایت به جزئیات و بافت‌هایی هم‌چون کلمه و جمله و رویکرد به نکات بلاغی از خلال جزئیات، از جمله ویژگی‌های تحلیل متون ادبی در روزگاران گذشته به شمار می‌آید. سال‌ها است که تحلیل متون ادبی از بررسی‌های توصیفی عبور کرده و از یک سو، کلیه ساختارهای متون ادبی از جزئی‌ترین آن‌ها هم‌چون حروف و کلمات تا واحدهای بزرگ‌تر، از جمله زبان، مورد بررسی قرار گرفته است و از سویی دیگر، این متون به عنوان پدیده‌های زبانی - که در تعامل با اجتماع هستند - بررسی می‌شوند (روشنفکر و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۲۸). در این زمینه، نظریات گوناگون در تحلیل زبان و تولیدات زبانی شکل گرفت که به بررسی زبان از خلال ارتباط آن با اجتماع پرداخته شد. نظریه کنش‌گفتاری از جمله این نظریات شمرده می‌شود که توجه بسیاری از تحلیل‌گران را به خود جلب کرده است.

کنش‌گفتاری به بررسی متون ادبی از جنبه ساختارهای زبانی و بافت متنی می‌پردازد. نظریه‌گفتمان در زبان‌شناسی شکل گرفت. در این تحلیل معمولاً سعی می‌شود به تحلیل ناگفته‌های یک متن پرداخته گردد. این ناگفته‌ها از راه‌های مختلف، مانند بررسی واژگان یک متن و معانی آن‌ها، دلالت‌های ضمنی واژگان و عبارات، پیش‌انگاری‌های موجود در متون و ساختار جملات و مؤلفه‌های نحوی مختلف می‌توانند آشکار شوند. (سیدی و حامدی شیروان، ۱۳۹۱: ۵)

از جمله متون گرانقدر ادبی کتاب هدایت‌گر قرآن کریم است. که در فراسوی الفاظ و معانی واژگان، در بطن لایه‌های دلالتی، مسیر بالندگی را نشان داده است. طبق این آیه کریمه قرآن "الرَّحْمَنُ، عَلَّمَ الْقُرْآنَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ" (الرحمن / ۱-۴) قرار گرفتن علم به قرآن در کنار علم به بیان شاید به این معنا باشد که برای درک لایه‌های معنایی قرآن باید لایه‌های معنایی زبان قرآن را شکافت و به عمق رسید.

در پژوهش حاضر سعی شده به تحلیل سوره زمر بر اساس نظریه کنش‌گفتار پرداخته شود؛ در بازگرداندن آیات به زبان فارسی از ترجمه حسین انصاریان استفاده شده است. با توجه به بررسی انجام گرفته در آیات سوره زمر و تحلیل معنای آیات، انتظار می‌رود انواع کنش‌های گفتار در آن کشف شود و از این رهگذر چهره درخشان و کلام زیبای الهی را واضح‌تر بنمایاند.

۱. ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. پیشینه پژوهش

- مقاله تحلیل خطبه پنجاه‌ویکم نهج البلاغه بر اساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری»، محمد فضایی و نگارش، فصلنامه قرآن و حدیث، ۱۳۹۸، شماره ۸۹، صص ۸۱-۱۱۸. نویسندگان نشان داده‌اند که امام علی علیه السلام در این خطبه بیش‌تر از کنش‌گفتاری اظهاری به منظور ایجاد بصیرت و آگاهی در یارانش نسبت به

جنگ، مرگ و زندگی و نیز از کنش ترغیبی به قصد تحریک و ترغیب آنان برای حمله به سپاه دشمن استفاده نموده و کم‌تر کنش عاطفی و کنش‌های تعهدی و اعلامی را به کار برده‌اند.

- مقاله «تحلیل گفتمان آیات مربوط به قیامت در دو جزء آخر قرآن»، سید حسین سیدی و زهرا حامدی شیروان، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ۱۳۹۱، صص ۴-۲۲، این دو نویسنده ساختارهای گفتمان‌مدار را در این آیات مورد بررسی قرار داده‌اند که این ساختارها شامل تعدی، وجهیت، کنش تعهدی و جملات پرسشی با کارکرد غیر مستقیم هستند پس از این تحلیل به این نتیجه رسیده‌اند که گفتمان آیات مربوط به قیامت از قاطعیت خداوند هنگام سخن گفتن از روز قیامت، هشدار و سعی در بیداری غافلان، تأکید خداوند بر سهمگین و وحشتناک بودن روز قیامت برای اخطار و هشدار به انسان‌ها، قطعی و حتمی بودن وقوع قیامت سخن می‌گوید.

- مقاله «تأثیر بافت زمانی مکانی در تحلیل کنش گفتار»، سید محمد حسینی معصوم و عبداللّه رادمرد، مجله جستارهای زبانی، ۱۳۹۴، شماره ۲۴، صص ۶۵-۹۲. نگارندگان میزان فراوانی انواع کنش گفتار را در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم را بر اساس نظریه کنش گفتاری آستین و طبقه‌بندی پنج‌گانه سرل بررسی کرده و دریافته‌اند که میزان کنش اظهاری نسبت به سایر کنش‌ها در سوره‌های مکی بیش‌ترین فراوانی را دارد، اما در سوره‌های مدنی کنش اظهاری نسبت به سایر کنش‌ها از کم‌ترین بسامد برخوردار است.

- مقاله «تحلیل متن سوره مریم بر اساس نظریه کنش گفتاری با تأکید بر الگوی جان سرل»، حجت‌الله حسنون، فصلنامه پژوهش‌های ادبی قرآن، ۱۳۹۸، شماره ۲۶، صص ۴۵-۶۵، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که از میان کنش‌های پنج‌گانه سرل، کنش‌های اظهاری، ترغیبی سپس عاطفی بیش‌ترین بسامد را در این سوره دارند.

- مقاله «بررسی خطبه شقشقیه بر اساس نظریه کارگفت «آستین و سرل»»، فاطمه شیرزاده طاقانکی، مجله آموزش زبان، ادبیات و زبان‌شناسی، ۱۳۹۹، شماره ۵، صص ۷۰-۹۱. نویسنده این خطبه را بر اساس نظریه یادشده مورد بررسی قرار می‌دهد و نشان می‌دهد، کارگفت‌های اظهاری - در معنای صریح - و کارگفت‌های عاطفی - در معنای ضمنی - با نکته غیر بیانی هجو بیش‌ترین تعداد را در این خطبه داشته و در نهایت کارگفت تعهدی نیز به کار رفته است؛ تطابق بافت موقعیتی خطبه با انواع کارگفت‌های به کار رفته در متن و بسامد آن‌ها، نشان از قدرت بالای مخاطب‌شناسی و درک آن حضرت از بافت موقعیتی دارد.

- مقاله «تحلیل گفتمان ائمه علیهم‌السلام بر اساس نظریه کنش گفتاری جان سرل»، مرضیه برزن و همکاران، نشریه پژوهش‌های اعتقادی کلامی (علوم اسلامی)، ۱۳۹۸، شماره ۳۶، صص ۷-۲۸. نویسندگان موضوع مذکور را بر پایه نظریه کنش گفتاری سرل بررسی می‌کنند نشان می‌دهند، ائمه علیهم‌السلام بنا بر نظریه افعال گفتاری سرل برای پیشبرد اهداف خویش از عباراتی استفاده کرده‌اند که معنای ثانوی آن‌ها مورد نظر بوده و کنش‌های

گفتاری اظهاری، عاطفی و ترغیبی بیش‌ترین کاربرد را داشته است، در حالی که از کنش‌های اعلامی و تعهدی بهره نگرفته‌اند.

۲-۱. پرسش‌های پژوهش

۱. کنش‌های گفتاری به کار رفته در سوره زمر بر اساس نظریه کنش گفتار سرل چیست؟
۲. کنش‌های به کار رفته در سوره زمر، چه مفاهیم و محتوایی را به مخاطب منتقل می‌کنند؟

۳-۱. فرضیه پژوهش

فرضیه اصلی پژوهش در تحلیل سوره زمر بر اساس نظریه کنش گفتار سرل با توجه به بررسی بافت سوره بیش‌تر آیات آن مرتبط با دلیل آوردن بر یکتا بودن خداوند، اخبار اقوام گذشته و نیز بیان شگفتی‌های خلقت آسمان‌ها و زمین است، و این خود نشانگر آن است که کنش اظهاری دارای افزون‌ترین بسامد می‌باشد.

۴-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

با توجه به پژوهش‌های درخور توجهی که در زمینه کنش گفتار در قرآن و ادعیه انجام گرفته شده، تا کنون در این گستره، درباره سوره زمر هیچ پژوهشی صورت نگرفته است. بنابراین مقاله حاضر سعی دارد پس از تعاریف و ریشه‌یابی تحلیل گفتمان و کنش گفتار و هم‌چنین شناخت بافت فرهنگی سوره به تحلیل پاره‌گفتارهای سوره زمر پردازد و تحلیل‌های لازم را با بررسی تفاسیر برای آن پاره‌گفتارها اتخاذ کند؛ و لایه‌های نهان کلام خداوند را نمایان‌تر نماید.

۵-۱. روش پژوهش

روش استفاده شده در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است؛ که به شیوه کتابخانه‌ای انجام گرفته است. به این صورت که ابتدا هر کدام از آیات و پاره‌گفتارهای سوره شناسایی شد سپس بر اساس نظریه کنش گفتار سرل مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفت.

۲. نظریه تحلیل گفتمان^۱

پیش از پرداختن به نظریه کنش گفتار لازم است تا اشاره‌ای مختصر به مفهوم تحلیل گفتمان شود؛ چرا که نظریه کنش گفتار زیر شاخه‌ای از تحلیل گفتمان است. اراییه یک تعریف واحد از تحلیل گفتمان که جامع و مانع بوده و مورد پذیرش اکثریت قریب به اتفاق افراد باشد، کاری بس دشوار است. به طور خلاصه می‌توان

گفت شالوده‌ها و بنیان‌های بیش‌تر تعاریف و نظریاتی که در مورد تحلیل گفتمان وجود دارد، ریشه در دو گرایش مهم در زبان‌شناسی، یعنی ساخت‌گرایی و نقش‌گرایی دارند. آن‌ها که تحلیل گفتمان را به مثابه «تحلیل زبان فراتر از سطح جمله» در نظر می‌گیرند، ساخت‌گرا هستند و آنان که گفتمان را به عنوان «زبان به هنگام کاربرد» می‌دانند، نقش‌گرا می‌باشند. همان‌گونه که ریچارد سون هم می‌گوید: «تحلیل گفتمان از نظر نظری، روش شناختی و تحلیلی، حوزه‌ای بسیار گسترده است؛ ولی بر خلاف مباحث گسترده در حوزه تحلیل گفتمان، دو رویکرد کلی برای تعریف آن وجود دارد: اول مرتبط با دسته‌ای می‌شود که گفتمان را به عنوان واحدی فراتر از سطح جمله می‌داند، که همان تعریف ساخت‌گرایان یا صورت‌گرایان از گفتمان است؛ چرا که بر صورتی که زبان به خود می‌گیرد، تأکید دارد.» (سیدی و حامدی شیروان، ۱۳۹۱: ۶-۷) اما این تعریف جامع و کامل نیست. تحلیل گفتمان یکی از رویکردهای مطرح در حوزه زبان‌شناسی است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی به دنبال تغییرات گسترده علمی - معرفتی انجام گرفت و در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، روان‌شناسی ادراکی و اجتماعی، نشانه‌شناسی، شعر، زبان‌شناسی و دیگر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد و فرایند تولید گفتار و نوشتار ظهور یافته است (فرکلاف، ۱۳۸۷: ۷)؛ اما تعریف معمولی که از تحلیل گفتمان شده عبارت از تجزیه و تحلیل زبان به هنگام کاربرد آن است. در این صورت تحلیل گفتمان نمی‌تواند فقط به توصیف صورت‌های زبانی منحصر شود بدون آن‌که اهداف، نقش‌ها و کارکردهایی را در نظر بگیرد که این صورت‌ها برای پرداختن به امور انسانی طراحی شده‌اند. (فضائل و نگارش، ۱۳۹۰: ۸۳) در تحلیل گفتمان تلاش بر آن است تا به تحلیل ناگفته‌های یک متن و تحلیل معانی ناپیدا و زیرین گفتار پرداخته شود. در تحلیل متن، آن ناگفته‌هایی بیش‌تر مورد نظر است که نویسنده به دلایلی هم‌چون ملاحظات سیاسی، تاریخی و جز آن نمی‌خواهد و نمی‌تواند آن‌ها را بیان کند. ناگفته‌های متن را از طرقتی مختلف، هم‌چون بررسی واژگان متن و معانی آن‌ها، دلالت‌های ضمنی واژگان و عبارات، از پیش‌انگاری‌های موجود در متن و ساختار جملات و مؤلفه‌های نحوی آن‌ها می‌توان کشف و آشکار نمود. یکی دیگر از راه‌های کشف ناگفته‌های یک متن، تحلیل کنش‌های گفتار آن متن است. کنش‌های گفتار یکی از عناصر مهم و اساسی مطرح در مباحث کاربرد شناختی زبان هستند که در تحلیل گفتمان نیز می‌توانند استفاده شوند (همان، ۸۴).

طراح اصلی کنش گفتاری «جان لانگ شاو آستین»^۱ (۱۹۱۱-۱۹۶۰) استاد فلسفه اخلاق دانشگاه آکسفورد است. او در سال ۱۹۵۲، یعنی هشت سال پیش از مرگش در سن چهل و نه سالگی، به استادی فلسفه اخلاق رسید. آستین در آثار خود به نظریه پردازی در خصوص انواع کاربردهای زبان یا اهداف سخن‌گویان از به

1. John Langshaw Austin

کارگیری آن پرداخته است...، او تقریباً همه آرای خود را در قالب سخنرانی و مصاحبه معرفی کرده و آثار کمی از او در زمان زندگی‌اش به چاپ رسیده است. او در آخرین سخنرانی‌هایش در هاروارد، کاربرد زبان را «کنش گفتار (کارگفت)» نامید. «آستین در واقع، بین جملات بامعنا و جملات بی معنا تمایز قایل می‌شود. از این دید، جملات خبری معنادار هستند، او با در نظر گرفتن دسته‌ای دیگر از جملات روزمره که نه بی معنا بودند و نه خبری، آن طبقه‌بندی را رد نمود. او این جملات معنادار را که خبری نبودند، جملات کنشی نامید؛ زیرا با توجه به شرایط، تولید این جملات به صورت انجام یک عمل قراردادی اجتماعی به کار می‌رود. جملات کنشی، جملاتی هستند که تولیدشان با توجه به بافت و شرایط به عنوان انجام یک عمل قراردادی اجتماعی محسوب می‌شوند.» (پهلوان‌نژاد و اصطهبانی، ۱۳۸۷: ۳) چنین جملاتی به خودی خود سبب ایجاد تغییر در وضعیت بعد از بیان آن جملات می‌گردند، به طور مثال واژه‌ها و کلماتی که در هنگام عقد ازدواج دو نفر بیان می‌گردد، سبب تغییر شرایط هر یک از زن و مرد می‌شود. در واقع این واژه‌ها هستند که به ازدواج اعتبار می‌بخشند و آن را از حالت غیر رسمی به رسمی بدل می‌نمایند. و یا وقتی می‌گوییم «من حتماً این کار را برای تو انجام می‌دهم.» در این‌جا انجام کار تعهدی ایجاد نمی‌کند؛ اما قید «حتماً» قراردادی ضمنی برای گوینده نسبت به مخاطب پدید می‌آورد. (ایشانی و نعمتی قزوینی، ۱۳۹۳: ۲۹)

در واقع، می‌توان گفت نظریه کنش گفتار آستین «واکنشی مخالف نسبت به سه اصلی بود که معمولاً در میان معناشناسان زبانی و معناشناسان منطقی مبنای نگرش نسبت به معنا قرار گرفت. این سه اصل از این قرار می‌باشند، نخست این‌که جملات خبری گونه‌ای اصلی جملات زبان به شمار می‌روند، دوم این‌که کاربرد اصلی زبان اطلاع دادن از طریق جملات است و سوم این‌که صدق یا کذب معنای پاره‌گفتارها را می‌توان تعیین کرد.» (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۷۳-۱۷۴)

بر اساس نظریه کنش گفتار، «اولاً جملات خبری تنها جملات اصلی و معنادار زبان نیست، و ثانیاً تعیین ارزش صدق و کذب همه جملات ممکن نیست؛ زیرا هدف گوینده از بیان جملات کنشی توصیف خود عمل است نه توصیف یک وضعیت یا حالت. بر این اساس، جملات به دو دسته کنشی (اجرایی) و خبری تقسیم می‌شوند. (ایشانی و نعمتی قزوینی، ۱۳۹۳: ۳۰). و ویژگی‌های بیان‌های کنشی را به صورت زیر بیان می‌کند: «بیان‌های کنشی صدق و کذب‌پذیر نیستند؛ بلکه متناسب یا نامتناسب هستند. در بیان‌های کنشی از افعال کنشی مانند قول دادن، اعلام کردن، اخطار دادن و غیره استفاده می‌شود و این افعال در صورتی که در زمان حال ساده و با فاعل اول شخص به کار روند، بیان‌های کنشی هستند. در نظریه آستین انواع کنش‌ها عبارتند از: کنش بیانی^۱، کنش تأییری^۱ و کنش منظوری^۱. (همان، ۳۰)

1. Locutionary act

کنش بیانی صرفاً تولید یک پاره گفتار معنادار توسط گوینده است. این کنش فقط جنبه‌های زبانی گفتار را در بر می‌گیرد و این اصطلاح در مقایسه با کنش منظوری مطرح می‌شود که در آن چیزی بیش از بیان صرف مورد نظر است. (Crystal, 2003: 277; Barber & Stainton, 2010: 707)

کریستال معتقد است که باید میان منظور گوینده از بیان یک پاره گفتار و کنشی که شنونده عملاً در اثر آن گفتار انجام می‌دهد و تأثیری که در او ایجاد می‌شود، تمایزی قایل شد (Crystal, ibid: 344) این تأثیر که ممکن است در قالب ترس، توهین، اقتناع و نظایر آن باشد و امکان دارد با هدف گوینده متفاوت یا یکسان به نظر رسد، کنش تأثیری نامیده می‌شود. (Astin, 1962; 130-135; Oishi, 2006: 1-14) در نظریه کنش گفتار از میان سه نوع کنش بیانی، منظوری و تأثیری، به طور خاص بیش‌تر به کنش منظوری و کم‌تر به دو نوع کنش دیگر توجه می‌شود. در واقع، اصطلاح «کنش گفتار» به معنای اخص آن، صرفاً برای اطلاق بر کنش منظوری یک پاره گفتار به کار می‌رود. (صفوی، ۱۳۸۳: ۲۶۰)

آستین محور تحلیل زبانی در نظریه خود را کنش منظوری یا غیر بیانی می‌داند. «آستین کنش‌های منظوری را قرار دادی می‌داند و معتقد است که برای انجام این کنش‌ها باید صورت معینی از واژه‌ها را به کار برد. او اعتقاد دارد که کنش‌های تأثیری بر خلاف کنش‌های منظوری، غیر قابل پیش‌بینی و بافت مقید هستند.» (چپمن، ۱۳۸۴: ۲۱۶)

۱-۲. نظریه کنش گفتار سرل

شاگرد آستین، جان. آر. سرل^۳ این نظریه را تا حد زیادی بسط داد و البته در مواردی نیز آرای استاد خود در زمینه تمایز میان کنش بیانی و کنش منظوری را نقد نمود. مقاله او با عنوان «کنش‌های گفتاری غیر مستقیم» در سال ۱۹۷۵ بیانگر این نقد و بررسی بود، ضمن این که آرای او درباره نظریه آستین و دیگر مسائلی مرتبط با فلسفه زبان در کتاب «کنش گفتار» دیده می‌شود. او در مقاله‌اش بر این باور است «برخی از کنش‌های گفتار هستند که کنش منظوری‌اشان به طور غیر مستقیم و به واسطه کنش منظوری دیگری انجام می‌شود.» (همان، ۲۱۷)

بنابراین، می‌توان گفت هرگاه میان معنای جمله و معنای مورد نظر گوینده مطابقت وجود داشته باشد؛ کنش گفتار مستقیم (صریح) است. و اگر میان معنای مورد نظر گوینده و معنای جمله مطابقتی وجود نداشته باشد؛ کنش گفتار غیر مستقیم (ضمنی) است. آفاگل‌زاده در توضیح کنش گفتار غیر مستقیم و به عبارتی کنش‌های

1. illocutionary act
2. perlocutionary Act
3. John R. Searle

ضمنی می‌نویسد: «او (آستین) معتقد است با پیچیده‌تر شدن رابطهٔ زبان و جامعه، کنش‌های صریح پیرو کنش‌های ضمنی تکامل می‌یابند. هر جملهٔ کنشی ضمنی قابل بسط به جمله‌ای است که دارای فعل اخباری (خبری) اول شخص یا فعل اخباری (خبری) مجهول دوم شخص یا سوم شخص مفرد باشد و هم‌چنین فعل جمله به عملی اشاره دارد که گفتهٔ کنشی انجام می‌دهد.» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۹)

شایان یادآوری است معمولاً رعایت ادب سبب ایجاد کنش گفتار غیر مستقیم می‌گردد، به طور مثال وقتی برای انجام کاری به صورت سؤالی از کسی خواهشی می‌کنیم؛ منظور از آن پرسش، کسب اطلاعات نیست. در جملهٔ «ممکن است به من لطف کنید دستم را بگیرید؟» گوینده به دنبال شنیدن پاسخ «بله» بدون انجام عمل دست گرفتن و کمک کردن نیست؛ بلکه این کنش امری به صورت غیر مستقیم بیان شده و مخاطب نیز در مقابل، کاری را برای او انجام می‌دهد. در واقع، رعایت ادب مهم‌ترین دلیل غیر مستقیم بودن کنش‌های امری است.» (همان، ۲۱۹)

سرل کنش‌های گفتار را به پنج دسته تقسیم می‌نماید:

۲-۱-۲. کنش اظهاری^۱

در این نوع کنش، گوینده باور خود را دربارهٔ درستی قضیه‌ای بیان می‌دارد و وقایع و پدیده‌های جهان بیرون را توصیف می‌کند و می‌گوید که وقایع و امور در جهان بیرون چگونه هستند. «نمونهٔ بارز این دسته از کارگفت‌ها را می‌توان در پاره‌گفتارهایی مشاهده کرد که بر نکته‌ای تأکید می‌کنند یا به نتیجه‌گیری از نکته‌ای می‌پردازند.» (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۷۷) چند نمونه از افعالی که دارای این نوع کنش هستند از این قرار می‌باشند: اظهار کردن، بیان کردن، گفتن، تکذیب کردن، تأیید نمودن، شرح دادن، اعتراض نمودن، بحث کردن، تصحیح کردن، دلیل آوردن، اثبات کردن، گزارش دادن و معرفی نمودن. (ایشانی و نعمتی قزوینی، ۱۳۹۳: ۳۲)

۲-۲-۲. کنش ترغیبی^۲

همان‌طور که از نام این کنش برمی‌آید، منظور از چنین کنشی آن است که کاربر زبان با استفاده از واژه‌ها، مخاطب را به انجام کاری و یا بازداشتن از آن کار، تشویق و ترغیب می‌نماید، به عبارت دیگر کنش ترغیبی سه مقولهٔ «دستورها، درخواست‌ها و پیشنهادها» را شامل می‌گردد. «نمونهٔ بارز کارگفت‌های ترغیبی را می‌توان در پرسش‌ها یا درخواست‌ها مشاهده کرد.» (=صفوی، ۱۳۸۳: ۱۷۷) افعال کنشی ترغیبی شامل افعالی هم‌چون خواستن، دستور دادن، توصیه کردن، پند و اندرز دادن، اصرار کردن، هشدار دادن، دعوت کردن، سؤال کردن،

1. Representative Act or Assertive
2. Directive Act

معذرت خواهی کردن، شرط کردن، اجاره دادن، اطمینان دادن، روحیه دادن و تشویق کردن هستند (ایشانی و نعمتی قزوینی، ۱۳۹۳: ۳۲)، مثال: من به شما دستور می‌دهم به او احترام بگذارید.

۲-۳-۲. کنش عاطفی^۱

احساس گوینده از طریق واژه‌های عاطفی و احساسی با بار مثبت و یا بار منفی هم‌چون تبریک گفتن، تسلیت گفتن، مدح کردن، هجو نمودن، تأسف خوردن، تمجید کردن، تعجب کردن، سلام کردن، احترام گذاشتن، سپاسگزاری نمودن و جز آن بیان می‌گردد. به طور نمونه: انجام چنین کاری از شما باعث شرمساری است. «در این دسته از کارگفت‌ها گوینده احساس خود را از طریق قدردانی، عذرخواهی، تبریک، ناسزا و جز آن بیان می‌دارد.» (همان، ۱۷۸)

۲-۴-۲. کنش تعهدی^۲

کنش‌های منظوری‌ای که در بردارنده تعهدی برای انجام عملی در آینده است، در این نوع از کنش گفتار قرار می‌گیرد. (Searle: 1999: 14) افعال چنین کنشی عبارتند از: قول دادن، سوگند خوردن، تعهد دادن، تضمین کردن، موافقت کردن، متعهد شدن، داوطلب شدن و غیره. مثال: من قبولی او را در آزمون ورودی تضمین می‌کنم.

۲-۵-۲. کنش اعلامی^۳

در این کنش، شرایطی تازه اعلام می‌شود. «به این معنا که همزمان با بیان آن شرایط، انطباقی بین زبان و جهان خارج روی می‌دهد. البته صرف بیان شرایط تازه به منزله انجام یک کنش اعلامی نیست؛ بلکه شرایطی برای تحقق آن لازم است، از جمله این‌که گوینده صلاحیت بیان شرایط جدید را داشته باشد.» (پهلوان نژاد و رجب‌زاده، ۱۳۸۹: ۴۱)، مثال: به دلیل پاییند نبودن به حکم قرارداد، من آن قرارداد را فسخ اعلام می‌کنم. افعالی که شامل این کنش می‌شوند، از این قرار هستند: «اعلام کردن، منصوب کردن، به کار گماردن، اخراج کردن، پایان دادن، نام‌گذاری کردن، باطل کردن، فسخ نمودن و جز آن‌ها» (ایشانی و نعمتی، ۱۳۹۳: ۲۸-۳۳)

۳. بافت فرهنگی سوره

در نظریه کنش گفتار، بافت از اهمیتی ویژه برخوردار است. بنابراین قبل از ورود به تحلیل سوره، ضروری می‌نماید اندکی به بررسی بافت سوره چه از لحاظ فرهنگی و چه موقعیتی پرداخته شود.

1. Expressive Act
2. Commissive Act
3. Declaration Act

مردم عرب در زمان نزول قرآن هم از لحاظ خلق و خو و هم از لحاظ اعتقادی در سطح بسیار پایین قرار داشتند. از لحاظ خلق و خو، غارتگری یکی از صفات عرب جاهلی بود که بیش‌تر در میان صحرانشینان رواج داشت. آن‌ها که در تنگی معیشت و کمبود آب و چراگاه به سر می‌بردند و به منظور دستیابی به مراتع جدید و آباد به زور متوسل می‌شدند. به‌طور معمول قبایل زورمند، حق ضعیفان را می‌خوردند و بر آنان ستم روا می‌داشتند. مخالفان خود را به غفلت و هجوم ناگهانی از پای در می‌آوردند و در این راه به هیچ قاعده و قانونی پایبند نبودند. (بینش، ۱۳۷۵: ۲۰۵)

اما از لحاظ اعتقادی و فرهنگی همان‌گونه که از خلال آیات این سوره فهمیده می‌شود، مردم در زمان نزول سوره زمر و قبل آن، مشرک و خرافی با عقاید آبا و اجدادشان از اعراب جاهلی بودند. با توجه به روحیه بت پرستی مردم مکه که کاملاً با گوشت و خون آن‌ها آمیخته بود، این سوره با الفاظ و تهدیدها و تشویق‌ها در صدد است که به تغییر روحیه آن مردم بپردازد. مکی بودن این سوره و سیاق آیات نشان می‌دهد، اولین و مهم‌ترین وظیفه پیامبر ﷺ نسبت به آن‌ها دعوت مردم به سوی توحید بوده است. تکرار مکرر در سوره برای دعوت به توحید، بیانگر فضای اختناق و بت‌پرستی مردم مکه می‌باشد. در چنین وضعیتی سوره مبارکه «زمر» نازل گردید. این سوره در ارتباط با اعتقادات خرافی و نظریات من درآوردی مشرکان ۱۵ بار فرمان «قل» خطاب به رسول اکرم ﷺ صادر شده تا آن حضرت آیات وحی را به عنوان نظریه قاطع توحیدی و موضع محکم اعتقادی در برابر نظریات باطل آن‌ها اعلام دارد. (بازرگان، ۱۳۷۲: ۲/۲۸۴)

۴. تحلیل سوره «زمر» بر اساس نظریه کنش گفتار

قبل از هر چیز باید دانست که قرآن کلام الهی است و دیگر کلام‌ها همه انسانی به شمار می‌آیند؛ بنابراین باید در استفاده از گفتمان کاوی دقت کافی کرد و با توجه به تفاسیر معتبر، این واکاوی را انجام داد و آن پیش فرض‌ها، اهداف و مؤلفه‌های گفتمانی را که تنها به کلام انسان مرتبط است، در این تحقیق وارد نکرد. مقاله حاضر ضمن بررسی مبانی گفتمان و مسایل بافت و متن، به تطبیق مبانی آن بر قرآن کریم و به عنوان مطالعه موردی به سوره «زمر» پرداخته است؛ لذا سعی بر آن است آیات این سوره مورد بررسی سبک نحوی و تحلیل گفتمان قرار بگیرد، قبل از ورود به تحلیل آیات ابتدا توضیحی مختصر درباره خود سوره داده می‌شود:

از سوره‌های پر معنای قرآن زمر است که از سوره‌های مکی می‌باشد؛ زمر به معنای جمعیت و گروه است و نام آن از آیه‌های ۷۱ و ۷۳ این سوره گرفته شده، آیه ۷۱ می‌فرماید: «کافران دسته جمعی به سوی دوزخ» و در آیه ۷۳ می‌گوید: «متقیان و پرهیزگاران گروه گروه به سوی بهشت رانده می‌شوند». از روایات معلوم می‌شود که نامگذاری آن در عصر رسالت و به واسطه آن حضرت بوده است. (قرشی، ۱۳۷۷: ۹/۲۵۷)

به این سوره غرف هم می‌گویند که به معنای غرفه‌ها است و برای اهل بهشت فراهم شده و در آیه ۲۰ به آن اشاره کرده ولی نام زمر معروف‌تر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۹/۳۶۰؛ طبرسی، ۱۳۶۰: ۸/۷۶۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴/۳۱۳)

از مراحل تحلیل آیات بر اساس سبک‌شناسی گفتمانی، تحلیل جمله‌ها به لحاظ کنش گفتار است، در کنش گفتاری، تنها معنای ظاهری مورد توجه نیست؛ بلکه شرایط زمانی، مکانی، فرهنگی و جز آن‌ها را به صورت پنهان با خود دارد و شامل ناگفته‌های یک متن می‌شود. (یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۳۵)

اکثر زبان‌شناسان در تجزیه و تحلیل کلام، پاره‌گفتار را به عنوان واحد تحلیل به کار می‌برند. (Crystal, 322: 2003) افزون بر این، غالباً در سطح پاره‌گفتار است که نویسنده یا گوینده مقصودش را به طور کامل بیان می‌دارد و خواننده یا شنونده نیز مقصود وی را به طور کامل درک می‌کند. به بیان دیگر باید گفت که واحد سخن گفتار است. بر این اساس ما برای کنش‌های گفتار سوره زمر آیات را به همراه عنوان پاره‌گفتار در نظر گرفته‌ایم. برای تحلیل آیات، شرایط محیط بر متن، شناخت رخداد‌های تاریخی را طلب می‌نماید که با نزول آن همراه و پیوسته می‌باشد و این همان چیزی است که قرآن پژوهان آن را اسباب نزول می‌نامند. با بررسی رخداد‌های تاریخی درباره این سوره، به بررسی متن سوره می‌پردازیم. به لحاظ طولانی بودن سوره زمر، سعی بر آن شده که برای نمونه فقط تعدادی از آیات تحلیل و بررسی شود؛ اما در انتها تمام آیات در جدول به همراه کنش متناسب آن ذکر گردیده است.

«تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (*) إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ بِالْحَقِّ فَاَعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (زمر ۲-۱)، «[این] کتاب نازل شده از سوی خدای توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است. بی‌تردید ما این کتاب را به حق و درستی به سوی تو نازل کردیم پس خدا را در حالی که اعتقاد و ایمان را برای او [از هرگونه شرکی] خالص می‌کنی، بپرست.»

این دو آیه به عنوان سرآغاز سوره است، خداوند به صراحت اعلام می‌کند که کتاب قرآن از سوی خداوند حکیم بر پیامبر ﷺ نازل شده است. خداوند در همان ابتدا با این آیات خواسته طمع و خواسته مشرکان را از ایشان برای پذیرفتن عقاید آن‌ها قطع کند، بنابراین کنش متناسب با آیات اعلامی می‌باشد. و در ادامه آیه (۲) می‌فرماید: «... فَاَعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» در این پاره گفتار خداوند به پیامبر ﷺ امر به پرستش خداوند می‌کند و مراد از این امر کل امت می‌باشد تا با عبادت، خود را پاک و پاکیزه از شرک شوند (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۱/۲۱۸؛ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۲۶/۱۰۲۶؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۴/۱۷۵؛ حوی، ۱۴۲۴: ۹/۴۸۵۳؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۹/۲۹۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۹/۳۶۴) بنابراین کنش به کار رفته در آیه ترغیبی است.

«أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ» (زمر/۳)، «آگاه باشید! که دین خالص ویژه خداست، و آنان که به جای خدا سرپرستان و معبودانی برگزیده‌اند [و می‌گویند: ما آنان را جز برای این که ما را هر چه بیشتر تر به خدا نزدیک کنند، نمی‌پرستیم. بی‌تردید خدا میان آنان [و مؤمنان] درباره آن چه که اختلاف می‌کنند [و آن آیین توحید و شرک است] داوری خواهد کرد؛ قطعاً خدا آن کس را که دروغگو و بسیار ناسپاس است، هدایت نمی‌کند».

آیه با (ألاً) شروع شده که حرف استفاحیه و جانشین فعل «انتبهوا» است که هشدار خداوند به مشرکان در آن نهفته باشد. (عاملی، ۱۳۶۰: ۳۴۸/۷) و به آن‌ها گوشزد می‌کند که دین خالص فقط برای خدا است. بنابراین آیه در حقیقت تهدیدی قاطع برای مشرکان است که غیر خدا را به عنوان معبود برگزیدند در روز قیامت که روز برطرف شدن اختلافات و آشکار شدن حقایق است در میان آن‌ها داوری می‌کند، و آنان را به کیفر اعمالشان می‌رساند، علاوه بر این که در صحنه محشر در برابر همگان رسوا می‌شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۶۶/۱۹) بنابراین کنش متناسب با آن ترغیبی می‌باشد. و در ادامه آیه می‌فرماید: «... إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ». جمله با «إِنَّ» شروع شده که نشان دهنده تأکید خداوند است تا اتمام حجتی باشد برای مشرکان که اگر همین گونه بر عقاید خود باقی بمانند خداوند هم آن‌ها را هدایت نمی‌کند، از این رو، کنش این پاره‌گفتار با توجه به تأکیدی که در آن وجود دارد اظهاری است.

«لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَأَصْطَفَى مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» (زمر/۴)، «اگر [بر فرض محال] خدا می‌خواست برای خود فرزندی بگیرد، همانا از میان آفریده‌هایش آن چه را خودش می‌خواست برمی‌گزید [نه این که شما برای او انتخاب کنید]؛ منزه است او [از آنکه برای او فرزندی باشد] او است خدای یگانه و قهار».

آیه از دو پاره‌گفتار تشکیل شده، پاره‌گفتار اول: «لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَأَصْطَفَى مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ» در مقام احتجاج و بحث با افکار و بینش مشرکان در مورد خداوند است که برای او شریک قایل می‌شدند و ملائکه و عیسی مسیح و عزیر عليه السلام را فرزند خدا می‌دانستند، در حالی که خداوند از همه این امور پاک و منزّه می‌باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۷۵/۱۹، ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۰۱/۱۶؛ میرزا خسروانی، ۱۳۹۰: ۲۳۲/۷) از این جهت کنش متناسب با این پاره‌گفتار اظهاری می‌باشد. در پایان آیه می‌فرماید: «سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» در این پاره‌گفتار با بیان صفات خداوند به تمجید او می‌پردازد و به صفت وحدانیت و قهاریت خداوند اشاره می‌کند تا از این طریق احساسات مشرکان را برانگیزاند، بنابراین کنش متناسب با آیه عاطفی می‌باشد.

«خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ» (زمر/۵)، «آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید. شب را به روز درمی‌پیچید، و روز را به شب درمی‌پیچید، و خورشید و ماه را [برای بندگانش] مسخر و رام کرد. هر کدام تا سرآمدی معین روانند. آگاه باشید! او توانای شکست‌ناپذیر و بسیار آمرزنده است».

این آیه در مورد خلقت و تدبیر خداوند سخن می‌گوید، خداوند با بیان تمام این آیات در صدد است عقیده جاهلی مشرکان را اصلاح کند و به آن‌ها بفهماند خداوند از آفرینش آسمان‌ها و زمین غرض و هدفی داشته است و هیچ‌گاه کار عبث انجام نمی‌دهد. (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۴۴/۲۱؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۵۵/۶) این گونه به تصویر کشیدن چگونگی خلقت، بیانگر کنش اظهاری است تا به مشرکان این آگاهی را بدهد تمام هستی دست قدرتمند خداوند است.

«خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآتَىٰ تَصْرُفُونَ» (زمر/۶)، «شما را از یک تن آفرید، سپس همسرش را از او پدید آورد، و از چهارپایان [شتر و گاو و گوسفند و بز به اعتبار یک نر و یک ماده] هشت زوج آفرید، شما را در شکم‌های مادرانتان آفرینشی پس از آفرینشی دیگر در میان تاریکی‌های سه گانه [شکم و رحم و مشیمه] به وجود آورد. این است خدا پروردگار شما که فرمانروایی [مطلق بر همه هستی] ویژه او است، معبودی جز او نیست، پس چگونه شما را از حق بازمی‌گردانند؟»

از لحاظ کنش گفتار این آیه به دو پاره گفتار تقسیم می‌شود، پاره گفتار اول: «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ» این بخش از آیه به شرح خلقت و آفرینش نخستین انسان و مراحل تکامل آن‌ها را بیان می‌کند. البته «ثم» که در آیه بیان شده به این معنای تاخیر زمانی نیست، بلکه مراحل تکامل را پشت سر هم بیان می‌کند. این گونه شرح خلقت و آفرینش دال بر وحدانیت و قدرت الهی است (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۷۷: ۲۲۱/۱۱). بنابراین کنش مناسب با آیه اظهاری می‌باشد و در واقع به نوعی دلیل آوردن برای مشرکان است تا به پرستش خداوند یگانه روی آورند. و در ادامه آیه می‌فرماید: «... ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآتَىٰ تَصْرُفُونَ» در این پاره گفتار برای اثرگذاری بیشتر به مدح خداوند می‌پردازد و اشاره به صفات خداوند می‌کند و در انتها برای برانگیختن احساسات آن‌ها برای یکتاپرستی می‌فرماید: «با این حال چگونه از راه حق منحرف می‌شوید؟!»، بنابراین کنش موجود در این پاره گفتار عاطفی می‌باشد.

«إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَ لَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَ إِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (زمر/۷)، «اگر کافر شوید [زیانی به

خدا نمی‌رسانید؛ زیرا [خدا از شما بی‌نیاز است، و کفر را برای بندگانش نمی‌پسندد؛ و اگر سپاسگزاری کنید، آن را برای شما می‌پسندد. و هیچ سنگین باری، بار [گناه] دیگری را بر نمی‌دارد. سپس بازگشت شما به سوی پروردگارتان خواهد بود، و شما را به آن چه انجام می‌دادید، آگاه خواهد کرد؛ زیرا او به نیات و اسرار سینه‌ها داناست».

در واقع این آیه به عنوان نتیجه‌گیری از آیات قبلی است؛ زیرا خداوند در آیات قبلی پیوسته سعی داشت که نظر مشرکان را نسبت به بت پرستی تغییر دهد، بنابراین در این آیه می‌خواهد به آن‌ها بفهماند این همه اصرار برای یکتاپرستی نفعی برای من ندارد، بلکه هرکس مسؤول کار خود است و نتیجه و فرجامش را می‌بیند. (عاملی، ۱۳۶۰: ۳۴۸/۷؛ سید کریمی حسینی، ۱۳۸۲: ۴۵۹) خداوند در این جا برای اثرگذاری بیش‌تر بر مشرکان با حرف شرطی «إِنْ» آیه را شروع کرده است؛ چرا که معمولاً وقتی جمله‌ای با شرط و جواب شرط همراه باشد نوعی ترغیب را در شنونده به وجود می‌آورد تا به عاقبت کار خود بیندیشد. بنابراین کنش مناسب آیه ترغیبی می‌باشد.

«وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُوا إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَ جَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ» (زمر/۸)، «و چون به انسان آسیبی رسد، پروردگارش را در حال بازگشت به سوی او [برای برطرف شدن آسایش] می‌خواند، سپس چون او را [برای رهایی از آن آسیب] نعمتی از جانب خود عطا کند، آن آسیب را که پیش‌تر برای برطرف شدنش دعا می‌کرد، فراموش می‌کند و دوباره برای خدا همتیانی قرار می‌دهد تا [مردم را] از راه خدا گمراه کند. بگو: اندک زمانی از کفر خود برخوردار باش، بی‌تردید تو از اهل آتشی».

در این آیه خداوند که آگاه به اسرار است، پرده از فطرت واقعی انسان‌ها برمی‌دارد و در مقام سرزنش آنان برمی‌آید و بیان می‌کند انسان طبعاً کفران‌پیشه است، با این‌که او بالفطره پروردگار خود را می‌شناسد و در هنگام بیچارگی و اضطرار که دستش از همه جا کوتاه می‌شود رو به سوی خدا می‌کند، اما همین انسان با برطرف شدن مشکلش باز رو به سوی بت‌ها می‌کند که نشانه ناسپاسی او است. و در پایان آیه در مقام توبیخ و تهدید آن‌ها می‌فرماید: «... قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ» این توبیخ و تهدید در بردارنده کنش ترغیبی است. «أَمْ مَنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَ قَائِمًا يَحْذُرُ الْآخِرَةَ وَ يَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنْ مَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر/۹)، «[آیا چنین انسان کفران‌کننده‌ای بهتر است] یا کسی که در ساعات شب به سجده و قیام و عبادتی خالصانه مشغول است، از آخرت می‌ترسد و به رحمت پروردگارش امید دارد؟ بگو: آیا کسانی که معرفت و دانش دارند و کسانی که بی‌بهره از معرفت و دانش‌اند، یکسانند؟ فقط خردمندان متذکر می‌شوند».

در ادامه آیه قبل که خداوند به توبیخ ناسپاسان پرداخت، در این آیه در مقام مقایسه دو گروه مؤمن و کافر می‌پردازد، و با استفاده از الفاظ و کلمات پرسشی و مقایسه‌ای درصدد سرزنش انسان‌هایی برمی‌آید که علم به ذات و صفات خدا ندارند، بنابراین کنش مرتبط با آیه ترغیبی می‌باشد. و در ادامه، آیه: «... إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَئَا الْأَلْبَابِ» این پاره‌گفتار با «إِنَّمَا» شروع شده است؛ که تأکید خداوند را می‌رساند و در واقع نتیجه آیه در این قسمت به خوبی بیان شده است که فقط خردمندان یادآور می‌شوند. کنش این پاره‌گفتار اظهاری می‌باشد.

«قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (زمر/۱۰)، «بگو: ای بندگان مؤمن! از پروردگارتان پروا کنید. برای کسانی که در این دنیا اعمال شایسته انجام داده‌اند، پاداش نیکی است و زمین خدا گسترده است [بر شماست از سرزمینی که دچار مضیقه دینی هستید به سرزمینی دیگر مهاجرت کنید]. فقط شکیبایان پاداششان را کامل و بدون حساب دریافت خواهند کرد».

این آیه مستقیماً با امر خداوند به پیامبر ﷺ آغاز شده تا مؤمنان را هشدار دهد که از مخالفت پروردگار بپرهیزند و برای تشویق آن‌ها بر تقوای الهی کلمه «أَحْسِنُوا» آمده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۷۲/۱۷) و در آخر آیه، خداوند برای اطمینان بخشیدن به مؤمنان می‌فرماید: «... إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» با عبارت «إِنَّمَا» به اطمینان بخشی تأکید می‌کند، بنابراین سرتاسر آیه خداوند در پی ترغیب و تشویق مؤمنان می‌باشد، از این جهت کنش آیه ترغیبی می‌باشد.

«قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ (*) وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ» (زمر/۱۱-۱۲)، «بگو: من مأمورم که خدا را در حالی که ایمان و عبادت را برای او [از هر گونه شرکی] خالص می‌کنم، بپرستم. و مأمورم که [در این آیین از] نخستین تسلیم شدگان [به فرمان‌ها و احکام] او باشم».

این دو آیه هم باز اشاره به امر خداوند بر پیامبر ﷺ می‌باشد که با او عطف به یکدیگر پیوند خورده‌اند. در این آیات خداوند به پیامبر ﷺ امر کرده به طور قاطع درخواست مشرکان و کفار را مبنی بر پذیرش دعوتشان رد کند تا آن‌ها از کار خود دست بردارند و با سخنان پیامبر ﷺ دیگر طمعی به ایشان نداشته باشند، بنابراین کنش مناسب آیه ترغیبی می‌باشد.

«قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (*) قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصاً لَهُ دِينِي» (زمر/۱۳-۱۴)، «بگو: اگر پروردگارم را نافرمانی کنم از عذاب روزی بزرگ می‌ترسم. بگو: فقط خدا را در حالی که ایمان و عبادت را برای او [از هر گونه شرکی] خالص می‌کنم، می‌پرستم».

در ادامه آیات قبل این دو آیه هم بیانگر امر خداوند به پیامبر ﷺ می‌باشد تا از این رهگذر مشرکان و همه مخاطبان رسول خدا ﷺ رو به سوی خداوند یکتا کنند و دین خود را پاک کنند و از نافرمانی خداوند دوری

کنند. این آیات به نوعی تبلیغ یکتاپرستی است، به این صورت که پیامبر ﷺ به عنوان پیشوا میان مردم است اظهار ترس قیامت می‌کند تا به این خاطر مردم عادی حساب کار دست‌شان بیاید و رو به سوی خداوند یگانه آورند. به این ترتیب کنش متناسب با آیه ترغیبی می‌باشد.

«فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» (زمر/ ۱۵)، «پس شما هم آن چه را می‌خواهید، به جای او بپرستید. بگو: بی‌تردید زیانکاران [واقعی] کسانی هستند که روز قیامت سرمایه و جودشان و کسانشان را به تباهی داده باشند؛ آگاه باشید! که آن همان زیان آشکار است».

بعد از دستورهای فراوانی که خداوند در آیات قبلی فرموده بود و مخاطب در آن آیات پیامبر ﷺ بود، در این آیه مستقیماً مردم را مخاطب خود قرار می‌دهد و به آن‌ها گویی پیشنهاد می‌دهد؛ من با شما اتمام حجت کردم و راه راست را به شما نشان دادم حال با خود شما است که چه کسی را معبود خود قرار می‌دهید، این طرز گفتار نوعی هشدار در خود دارد؛ چرا که در ادامه آیه باز خداوند با به کار بردن الفاظی در وصف زیانکاران و لفظ «أَلَا»، که جانشین فعل «انتبهوا» است؛ بیانگر هشدار خداوند به مردم می‌باشد به این جهت زیر مجموعه کنش ترغیبی قرار می‌گیرد. با این همه هشدار که در آیات این سوره به چشم می‌خورد چنین فهمیده می‌شود که مردم آن زمان مردمی کاملاً خرافی با عقاید باطل بودند.

با توجه به طولانی بودن سوره زمر تحلیل تمام آیات از حوصله این مقاله خارج است. بنابراین به طور مختصر تمام آیات در جدول ذیل به همراه کنش مناسب آن ذکر گردیده است.

جدول شماره ۱: کنش گفتار آیات سوره زمر

کنش گفتاری آیات	معنای تحلیلی آیات	آیات سوره زمر
اعلامی ترغیبی	اعلام کردن تأکید کردن	تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱) إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ (۲)
ترغیبی اظهاری	هشدار دادن شرح حال گذشتگان	أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ (۳)
اظهاری - عاطفی	احتجاج کردن - تمجید کردن	لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَنْخِذَ وَلَدًا لَأَصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۴)
اظهاری	شرح دادن خلقت	خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يَكُوِّرُ اللَّيْلُ عَلَى النَّهَارِ وَ يَكُوِّرُ

	آسمان و زمین	التَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِى لِأَجَلٍ مُّسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (۵)
اطهاری - عاطفی	شرح خلقت - تأسف خوردن	خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثَ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ (۶)
ترغیبی - عاطفی	شرط کردن - مدح کردن	إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَ لَا يَرْضَى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَ إِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فِيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۷)
ترغیبی	پند و اندرز دادن	وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا حَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسَىٰ مَا كَانَ يَدْعُوا إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَ جَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ (۸)
ترغیبی - اطهاری	سرزنش کردن - تأکید کردن	أَمَّنْ هُوَ قَابِثُ آتَاءِ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَ قَائِمًا يُخَذِّرُ الْآخِرَةَ وَ يُرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (۹)
ترغیبی	امر کردن	قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةٌ إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۱۰)
ترغیبی	امر کردن	قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ (۱۱) وَ أُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ (۱۲)
ترغیبی	امر کردن	قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۳) قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي (۱۴)
ترغیبی	هشدار دادن	فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (۱۵)
ترغیبی	هشدار دادن	لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ (۱۶)
ترغیبی	تشویق کردن	وَ الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَ أَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ (۱۷)
ترغیبی	اطمینان دادن	الَّذِينَ يَشْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ

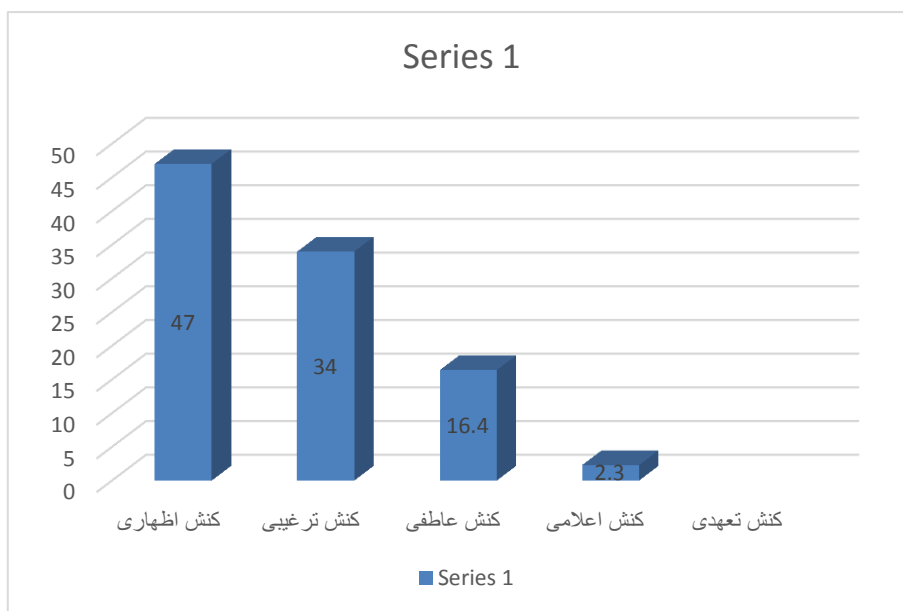
		أُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْتَابِ (۱۸)
ترغیبی	هشدار دادن	أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ (۱۹)
اظهاری	معرفی کردن تقوا پیشگان	لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ عُرفٌ مِّنْ فَوْقِهَا عُرفٌ مُّبِينَةٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ (۲۰)
ترغیبی	سؤال کردن به انگیزه هشدار	أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعٌ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَزَاهُ مُضْفَرًا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِأُولِي الْأَلْتَابِ (۲۱)
ترغیبی	سؤال کردن به انگیزه بند و اندرز	أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِّنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲۲)
اظهاری	معرفی کردن	اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۲۳)
ترغیبی	سرزنش کردن	أَفَمَنْ يَتَّبِعِي بَوَجهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ (۲۴)
اظهاری	شرح دادن	كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَاتَّاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (۲۵)
اظهاری	گزارش دادن	فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْعَذَابِ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۲۶)
اظهاری	بیان شرح گذشتگان	وَ لَقَدْ صَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۲۷)
اظهاری	نتیجه گیری	قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۲۸)
اظهاری - عاطفی	بحث کردن - تأسف خوردن	صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رِجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَ رِجُلًا سَلَمًا لِرِجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۲۹)
اظهاری - اظهاری	بحث کردن - نتیجه گیری	إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ إِنَّهُمْ مَيِّتُونَ (۳۰) ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ (۳۱)
اظهاری	معرفی کردن	فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَ كَذَبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ (۳۲)
اظهاری	شرح دادن	وَ الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَ صَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (۳۳) لَهُمْ مَا

		يَسْأَلُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ (۳۴)
اظهاری	نتیجه گیری کردن	لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ (۳۵)
ترغیبی	شرط کردن	أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۳۶)
ترغیبی	پند دادن	وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ (۳۷)
ترغیبی - عاطفی	سؤال کردن - تمجید کردن	وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ (۳۸)
اظهاری - اظهاری	بحث کردن - نتیجه گیری	قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳۹) مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ (۴۰)
اظهاری	تأکید کردن	إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ (۴۱)
اظهاری - ترغیبی	شرح دادن - پند و اندرز دادن	اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۴۲)
اظهاری	شرح دادن	أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أَوْ لَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ (۴۳)
عاطفی - اظهاری	تمجید کردن - توصیف کردن	قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۴۴) وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَ إِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (۴۵)
عاطفی	تمجید کردن	قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَخْتَكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۴۶)
اظهاری - ترغیبی	بیان کردن - هشدار دادن	وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ بَدَأَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ (۴۷)
اظهاری	گزارش دادن	وَ بَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتٍ مَا كَسَبُوا وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۴۸)

اظهاری	گزارش دادن	فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۴۹)
اظهاری	گزارش دادن	قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا أَعْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۵۰)
ترغیبی - ترغیبی	هشدار دادن - سؤال کردن	فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتٌ مَا كَسَبُوا وَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتٌ مَا كَسَبُوا وَ مَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ (۵۱) أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۵۲)
ترغیبی - ترغیبی	توصیه کردن - توصیه کردن	قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۵۳) وَ أَنْبِئُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَ أَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ (۵۴)
ترغیبی	توصیه کردن	وَ اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَ أَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (۵۵)
اظهاری - عاطفی	نتیجه گیری - تأسف خوردن	أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَ إِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّآخِرِينَ (۵۶) أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (۵۷)
عاطفی - اظهاری	تأسف خوردن - بحث کردن	أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَىٰ الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةٌ فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۵۸) بَلَىٰ قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَ اسْتَكْبَرْتَ وَ كُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ (۵۹)
اظهاری - ترغیبی	گزارش دادن - هشدار دادن	وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَىٰ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ (۶۰)
اظهاری - عاطفی	گزارش دادن - تمجید کردن	وَ يُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۱) اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (۶۲)
عاطفی - ترغیبی	تمجید کردن - نکوهش کردن	لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۶۳) قُلْ أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ (۶۴)
ترغیبی	هشدار دادن	وَ لَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَ إِلَىٰ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَ تَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۶۵)
ترغیبی ترغیبی عاطفی	پند و اندرز دادن - نکوهش کردن، مدح کردن	بَلِ اللَّهُ فَاعْبُدْ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۶۶) وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَ الْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ السَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۶۷)

اظهاری - اظهاری	بیان کردن - بیان کردن	و نَفَخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نَفَخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ (٦٨) وَ أَشْرَقَتْ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ وُضِعَ الْكِتَابُ وَ جِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لَا يظَلْمُونَ (٦٩)
اظهاری	گزارش دادن	وَ وُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ (٧٠)
اظهاری	گزارش دادن و بحث کردن	وَ سِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُهَا فَتَحَتْ أَبْوَابُهَا وَ قَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَ يُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَىٰ وَ لَكِن حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ (٧١)
اظهاری	گفتن	قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (٧٢)
اظهاری	گزارش دادن	وَ سِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَىٰ الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُهَا وَ فَتَحَتْ أَبْوَابُهَا وَ قَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ (٧٣)
اظهاری - عاطفی	گفتن، مدح کردن	وَ قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَ عَدَّهُ وَ أَوْثَقْنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (٧٤)
اظهاری - عاطفی	بیان کردن، مدح کردن	وَ تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَ قِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (٧٥)

نمودار شماره ۱: بسامد فراوانی کنش گفتار در سوره زمر



۵. تحلیل یافته‌ها

با توجه به جدول آیات سوره زمر، کنش اظهاری بیش‌ترین فراوانی را نسبت به سایر کنش‌ها به خود اختصاص داده است؛ که این میزان افزایش خود دلیلی بر تأکید و دلیل آوردن خداوند به شمار می‌رود تا مشرکان را از عقاید پوچ و خرافی‌اشان دور کند و به آن‌ها بفهماند فقط خداوندی شایسته و سزاوار پرستش است که قادر و مالک همه چیز باشد خداوندی که هم خالق و هم مدبر است، و آن خداوند یکتا می‌باشد. از این رو، کنش اظهاری با ۴۷٪ فراوانی بیش‌ترین کنش در این سوره مکی را به خود اختصاص داده است. در مرتبه بعدی کنش ترغیبی با فراوانی ۳۴٪ رتبه دوم را به خود اختصاص می‌دهد؛ زیرا خداوند با بیان درخواست‌ها، پیشنهادها، پند و اندرزها، هشدارها و تشویق‌ها در صدد است که مردم را ترغیب و تشویق کند که از بت‌پرستی و عقاید خرافی برگردند و خداوند یگانه را پرستش کنند. هم‌چنین کنش عاطفی با ۱۶/۴۷٪ در رتبه بعدی این کنش‌ها قرار می‌گیرد. همان‌گونه که از نام این کنش فهمیده می‌شود، این کنش با احساسات و عواطف انسان‌ها سروکار دارد و خداوند متعال با هجو کردن مشرکان و تأسف خوردن به حال آن‌ها خواسته احساسات آن‌ها را برانگیزد؛ اما کنش اعلامی با فراوانی ۲/۳۵٪ کم‌ترین میزان فراوانی را دارا می‌باشد و کنش تعهدی اصلاً در این سوره به کار نرفته است.

نتیجه گیری

با توجه به این که کنش گفتار از راه‌های تحلیل و شفاف سازی متون می‌باشد، بهره گرفتن از این نظریه در قرآن روشی سودمند برای تحلیل گفتار قرآن است. به این جهت سوره زمر را بر اساس نظریه کنش گفتار سرل بررسی کردیم و همان طور که مشاهده می‌گردد به ترتیب فراوانی، کنش اظهاری، کنش ترغیبی، کنش عاطفی و کنش اعلامی در این سوره به کار رفته بود. نتایج برآمده از تطبیق نظریه کنش گفتار بر آیات سوره زمر از این قرار می‌باشند:

۱- از آن جا که هدف و غرض مضمون و محتوای اصلی سوره زمر در جهت دعوت به توحید می‌باشد، بیش‌ترین آیات مرتبط جهت دلالت بر یکتا بودن خداوند، اخبار اقوام گذشته و نیز بیان شگفتی‌های خلقت آسمان‌ها و زمین است و همه این موارد در قالب کنش اظهاری قرار می‌گیرد. به همین خاطر بیش‌ترین کنش را در این سوره دارا است؛

۲- هشدار دادن به مشرکان در قالب پرسش و سرزنش کردنشان و پند و اندرز دادن و همچنین دعوت کردن آن‌ها به سوی توحید و با ترغیب و تشویق در آن‌ها حالتی به وجود می‌آورد تا به سوی خدا بازگردند و عقیده و رفتار خود را دگرگون سازند که تمام این موارد بیانگر کنش ترغیبی است؛

۳- در برخی آیات سوره، خداوند رفتار و گفتارشان را هجو می‌نماید و با بیان الفظی تأسف خود را از اعمال آنان تبیین کرده و گاه با مدح ویژگی‌های خداوند عواطف و احساسات آن‌ها را برمی‌انگیزد. در این گونه آیات به زیبایی کنش عاطفی دیده می‌شود؛

۴- اما در دو آیه ابتدایی این سوره به صراحت اعلام می‌گردد که قرآن از سوی خداوند حکیم و عزیز نازل شده است. هدفی که خداوند از بیان این آیات ابتدایی دنبال می‌کند بسیار روشن و مناسب با هدف کلی سوره است تا به این گونه از همان آغاز روی اعتقادات خرافی آن‌ها خط بطلان بکشد. این موارد از زیر مجموعه کنش اعلامی به شمار می‌روند؛ اما کنش تعهدی در این سوره اصلاً دیده نمی‌شود. به طور کلی هدف این سوره در جهت آگاهی دادن انسان است و افزایش معارف آن‌ها است.

منابع و مآخذ

۱. آقاگل زاده، فردوس (۱۳۹۰)، تحلیل انتقادی: تکوین تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. انصاریان، حسین (۱۳۸۳)، ترجمه قرآن کریم، چاپ اول، قم: انتشارات اسوه.
۳. ایشانی، طاهره، معصومه نعمتی قزوینی (۱۳۹۳)، «تحلیل خطبه حضرت زینب علیها السلام بر اساس نظریه کنش گفتار سرل»، مطالعات قرآن و حدیث سفینه، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۲۵-۵۱.
۴. برزن، مرضیه و همکاران (۱۳۹۸)، «تحلیل گفتمان ائمه علیهم السلام با روش تقیه بر اساس نظریه کنش گفتاری جان سرل»، نشریه پژوهش‌های اعتقادی کلامی (علوم اسلامی)، شماره ۳۶، صص ۷-۲۸.
۵. بروجردی، سید محمد ابراهیم (۱۳۶۶)، تفسیر جامع، چاپ ششم، تهران: انتشارات صدر.
۶. بینش، عبدالحسین (۱۳۷۵)، مقایسه دوران جاهلیت و اسلام، بی جا: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام.
۷. پهلوان زاده، محمدرضا، لیلا اصطهبانی (۱۳۸۷)، «بررسی کنش‌های گفتار در سخنرانی‌های روسای جمهوری ایران و آمریکا شهریور ۱۳۸۵، سازمان ملل»، پژوهش‌های زبان‌های خارجی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۵۱، پاییز و زمستان، شماره مسلسل ۲۰۸، صص ۱-۲۴.
۸. پهلوان زاده، محمدرضا، مهدی رجب زاده (۱۳۸۹)، «تحلیل متن شناسی زیارتنامه حضرت امام رضا علیه السلام بر پایه نظریه کنش گفتار»، مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام، سال چهل و دوم، شماره پیاپی ۸۵/۲، پاییز و زمستان، صص ۳۷-۵۴.
۹. چپمن، شیوان (۱۳۸۴)، از فلسفه به زبان شناسی، ترجمه حسین صافی، تهران: گام نو.
۱۰. حسونند، حجت الله (۱۳۹۸)، «تحلیل متن سوره مریم علیها السلام بر اساس نظریه کنش گفتاری با تأکید بر الگوی جان سرل»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی قرآن، ۱۳۹۸، شماره ۲۶، صص ۴۵-۶۵.
۱۱. حسینی شاه عبد العظیمی، حسین ابن احمد (۱۳۶۳)، تفسیر اثنا عشری، چاپ اول، تهران: انتشارات میقات.
۱۲. حسینی معصوم، سید محمد، عبدالله رادمرد (۱۳۹۴)، «تأثیر بافت زمانی مکانی در تحلیل کنش گفتار»، مجله جستارهای زبانی، شماره ۲۴، صص ۶۵-۹۲.
۱۳. حسینی همدانی، سید محمد (۱۴۰۴ق)، انوار درخشان، محقق محمد باقر بهبودی، چاپ اول، تهران: کتابفروشی لطفی.
۱۴. حوی، سعید (۱۴۲۴ق)، الأساس فی التفسیر، الطبعة السادسة، القاهرة: دار السلام.

۱۵. رازی، ابوالفتح (۱۳۷۵)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تصحیح محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۶. روشنفکر، کبری، دانش محمدی رکعتی (۱۳۸۸)، «تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام»، نشریه سفینه، شماره ۲۲، صص ۱۲۷-۱۴۹.
۱۷. سید کریمی حسینی، سید عباس (۱۳۸۲)، تفسیر علین، چاپ اول، قم: انتشارات اسوه.
۱۸. سیدی، سید حسین، زهرا حامدی شیروانی (۱۳۹۱)، «تحلیل گفتمان آیات مربوط به قیامت در دو جزء آخر قرآن»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، سال هجدهم، شماره ۳، صص ۵-۲۱.
۱۹. شیرزاده طاقانکی، فاطمه (۱۳۹۹)، «بررسی خطبه شقشقیه بر اساس نظریه کارگفت «آستین و سرل»»، مجله آموزش زبان، ادبیات و زبان‌شناسی، شماره ۵، صص ۷۰-۹۱.
۲۰. صفوی، کوروش (۱۳۸۳)، درآمدی بر معناشناسی، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
۲۱. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۳. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعه و تحقیقات رسانه‌ها.
۲۴. فضائلی، مریم، نگارش، محمد (۱۳۹۰)، «تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج البلاغه بر اساس طبقه بندی سرل از کنش گفتاری»، مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و سوم، شماره پیاپی ۳ / ۸۶، بهار و تابستان، ۸۱-۱۱۸.
۲۵. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن، الطبعة الثانية، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.
۲۶. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، محقق حسین اعلمی، چاپ دوم، تهران: انتشارات الصدر.
۲۷. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷)، تفسیر احسن الحدیث، چاپ سوم، تهران: بنیاد بعثت.
۲۸. کاشفی سبزواری، حسین بن علی (۱۳۶۹)، مواهب علیة، محقق سید محمد رضا جلالی نائینی، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۳۰. یارمحمدی، لطف الله (۱۳۸۵)، گفتمان شناسی رایج انتقادی، تهران: سمت.

31. Austin, J. L (1962), *How to Do Things with Words*, Oxford: Oxford University Press.
32. Barber, J. E. (1991), Stainton (2010), (eds.) *Concise Encyclopedia of Philosophy of Language and Linguistics*, Oxford: Elsevier Ltd .
33. Crystal, D. (2003), *A. & Phonetics (Fifth edition)*, Oxford: Black well .
34. Oishi. E (2006), "Austin's speech act theory and the speech situation", *Escrizi filosofici*. No. I. pp. 1-14 .
35. Searle. J. R. (1999), *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*, Cambridge University Press, Cambridge, New York and Mwlbournw.